خارج فقه جلسه 4 - حد مسح پا - 12/07/1401

موضوع: (حد مسح پا - استناد مرحوم صدوق به دو روایت - جواب‌ها به دو روایت - اشکالات استاد - نظر استاد)

بسم الله الرّحمن الرّحيم

الحمد لله رب العالمين والصّلاة والسلام على محمّد وآله الطاهرين والّلعنة الدائمة على اعدائهم اجمعين

مرحوم صدوق و محقق اردبیلی فرمودند که مسح پا به کل کف دست است و پا را باید فرابگیرد و دو روایت نقل شد حال برای استناد کردن به این دو روایت جواب‌هایی داده‌شده است.

جواب اول: از برخی از فقها که صحیحه بزنطی حمل بر استحباب می‌شود که مقدار واجب یک انگشت و بیش از آن مستحب است.

سؤال: این حمل از کجای حدیث استفاده شده است؟ به نظر می‌رسد که بزنطی می‌داند حد واجب یک انگشت است اما اینکه سؤال می‌کند که با کف دست هم مسح می‌شود کرد یا نه؟ این سؤال از کیفیت مسح که مستحب است می باشد نه سؤال از حد واجب چون از ایشان بعید است که حد واجب مسح را ندانند، مستمسک ج ۲ ص ۳۸۱.

اشکال استاد بر این حمل:

اولاً: چون در صحیحه اخوین مقدار مسح به‌صورت مطلق بیان شده مثل کلمه بشیء که شیء مطلق است و یک انگشت و بیشتر را شامل می‌شود و همچنین در تفسیر آیه ﴿شریفه فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم﴾ راوی گفت که ما فهمیدیم که چقدر باید مسح کشید همین اندازه که وصل به سر یا پا شود و کشیده شود مسح انجام شده است وقتی ادله مشهور مطلق بود و مشخص نکرد مقدار مسح را یقیناً صححیه بزنطی مقید است چون صریحاً می‌گوید کل دست را روی پا بگذار که در دوران بین اطلاق و تقیید قاعده حمل مطلق بر مقید است و روایت بزنطی را نباید حمل بر استحباب کرد.

شاهد: برخی از فقها مثل سید محمد جواد عاملی در مفتاح الکرامه ج ۱ ص ۲۵۲ می‌گوید هر چه در کتب اصحاب جستجو کردم که بگویند مسح کف دست بر کل پا مستحب است را پیدا نکردم.

ثانیاً: اما اینکه فرمودند از مرحوم بزنطی بعید است که مقدار واجب را از مسح نداند می‌گوییم ایشان به مقدار واجب جاهل نیست اما نسبت به کیفیت واجب جاهل است چون بین عامه و خاصه اختلاف است.

ثالثاً: که حمل بر استحباب جمع تبرعی است اما حمل مطلق بر مقید جمع دلالی است و جمع دلالی ارجح بر تبرعی است.

جواب دوم از مرحوم آقای خویی در تنقیح ج ۴ ص ۱۸۳: که دو کار در مورد صحیحه بزنطی می‌شود انجام داد:

اول: صحیحه حمل بر تقیه شود چون در نسخه وسائل به‌جای بکفه، بکفیه دارد که با دو دست مسح شود که ظاهرش این است که ظاهر و کف پا مسح شود که این موافق با مذهب عامه است.

دوم: صحیحه بزنطی مطلق و صحیحه اخوین مقید است که صحیحه بزنطی قید می‌خورد که حد واجب برخی از قسمت‌های پا است و بقیه آن مستحب است.

اشکال استاد به آقای خویی:

اولاً: در کتب اربعه مثل کافی و تهذیب کلمه بکفه دارد و مرحوم علامه در منتهی به متابعت شیخ در تهذیب این بیان امام را تفسیر کرده‌اند جمله: لا الا بکفه، که این از قبیل لا صلاة لجار المسجد الا فی المسجد که نفی کمال است و در اینجا هم نه اینکه با یک انگشت کشیدن مسح باطل است بلکه مسحی که کمال دارد این است که با کف دست باشد.

ثانیاً: صحیحه بزنطی اطلاق ندارد و ظاهر آن مقید است و ظاهر آن بر استیعاب است پس هنوز بین ادله مشهور و مرحوم صدوق تعارض است.

نظر استاد: از سه جهت عمل به صحیحه بزنطی موهوم است:

جهت اول: ما روایات صحیحه ای داریم که اگر کسی یادش رفت مسح بکند و در نماز یادش آمد نماز را قطع نکند و از رطوبت محاسن یا ابرو بگیرد و پا را مسح کند و نماز را ادامه دهد، وسائل ج ۱ ص ۲۸۷ حال آیا رطوبت محاسن یا ابرو به حدی است که رطوبت کل پا را بگیرد؟ خیر پس حقیقت مسح کل پا نیست و دلالت روایت بزنطی مشخص نیست.

جهت دوم: این صحیحه بزنطی با روایت معمر بن عمر در تعارض است که تصریح می‌کرد مسح با سه انگشت است پس متن این صحیحه مضطرب است.

جهت سوم: اگر مسح کل پا واجب بود باید تا الآن شهرت پیدا می‌کرد و اینکه شهرت ندارد قرینه است که اصحاب امامیه قائلند که اقل مسح یک انگشت عرضا و طولا است.

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين